

اعتقاد و ایمان سنگ بنای ارتقای انسان

یادمان مرحوم دکتر محمد نادری

مختلف در حوزه سلامت و بهداشت کشور را داشت. پس از فارغ التحصیلی به عنوان پزشک عمومی در بجنورد خدمت خود را شروع و سپس معاون مرکز بهداشت بجنورد شد. مدیریت مرکز بهداشت سرخس، مدیریت بیمارستان آمدادی مشهد و رئیس مرکز بهداشت شماره یک مشهد نیز از دیگر سوابق وی می‌باشد. سپس به عنوان مدیر بودجه دانشگاه علوم پزشکی مشهد شروع به فعالیت کرد و در اواخر عمر در امتحان دستیاری رشته پزشکی اجتماعی قبول شد. یکی از همکاران ایشان به نام حسین مؤمنی؛ پرستار و کادر درمانی سابق بیمارستان شهید کامیاب مشهد، با اشاره به اینکه دکتر محمد نادری در خانواده‌ای مذهبی و کشاورز به دنیا آمد، درباره شخصیت و عملکرد دکتر نادری اینچنین می‌گوید: "پس از جانبازی در دوران دفاع مقدس سمت‌های مختلفی را در نظام سلامت در استان خراسان رضوی به دست آورد و با توجه به این که انسانی دلسوز و امین بود، به عنوان مدیر بودجه دانشگاه علوم پزشکی مشهد معرفی شد." وی ادامه داد: "پس از آن کارشناس بودجه وزارت بهداشت و درمان آموزش پزشکی در وزارتخانه بهداشت کشور شد و چند سالی در این حوزه فعالیت کرد اما به دلیل اینکه خانواده وی در مشهد مستقر بودند، دوباره به مشهد بازگشت و چند سالی به عنوان مدیر بودجه دانشگاه علوم پزشکی مشهد مشغول به فعالیت شد." عضو بسیج جامعه پزشکی استان خراسان رضوی با اشاره به این که مرحوم دکتر محمد نادری، انسان بسیار دلسوز و فروتنی بود، بیان کرد: "به هیچ وجه احساس نمی‌شد که وی مدیر بیمارستان است، با همکاران برای اداره امور مشورت می‌کرد و بسیار مهربان بود."

زندگی خصوصی

مرحوم دکتر محمد نادری در ۱۲ فروردین ۱۳۷۳ مصادف با روز جمهوری اسلامی ایران با خانواده‌ای مذهبی وصلت کرد. همسر او دارای تحصیلات حوزوی است و ثمره این ازدواج سه فرزند به نام‌های زهرا (دانشجوی مهندسی شیعی دانشگاه فردوسی مشهد)، علی (دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد) و مهدی (دانش آموز پیش دانشگاهی رشته علوم و معارف اسلامی) است. روحیه و خلق و خوی مرحوم دکتر نادری از زبان فرزند ایشان پدرم بسیار پر تلاش، سحر خیز و پرتلاشی بودند و هیچ وقت در طول

مرحوم دکتر

محمد نادری در

روز یکم شهریور ماه سال

۱۳۴۹ در شهرستان قوچان و در

خانواده‌ای پرجمعیت و کشاورز دیده به

جهان گشود. دوره ابتدایی و راهنمایی خود را در روستای محل سکونت خود با موفقیت به پایان رساند و دوره دبیرستان خود را در شرایطی که خانواده‌اش او را مخیر به انتخاب تحصیل یا کار کرده بود، در شهرستان شیروان گذراند. بعد از گذشت یک سال از دوره دبیرستان با شروع جنگ تحمیلی به همراه لشکر پنج نصر تحت عنوان داوطلب بسیجی به جبهه‌های حق علیه باطل اعزام شد. پس از بازگشت از جنگ در شرایطی که از ناحیه یک چشم جانباز شده بود به ادامه تحصیل پرداخت. او در کنار تحصیل، برای کمک به تأمین مخارج خانواده کار می‌کرد. خاطرات و اثرات جنگ سرمنشأ علاقه‌مندی و موفقیت وی در کنکور تجربی و پذیرش در رشته پزشکی عمومی دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۷۰ بود. وی در دوران دانشجویی از نظر سیاسی و فرهنگی بسیار فعال بود. در ابتدای تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی وارد تشکل بسیج و انجمن اسلامی شد و همراه با دوستانش هیأتی با نام فاطمه‌زهر(س) احداث کردند. دکتر محمد نادری حدود بیست سال سابقه کار در عرصه‌های



و حرفی که به نظرمان حق و درست است را بیان کنیم. همچنین، برای همه افراد در چارچوب قانون هر کاری که می‌توانست بدون منت انجام می‌داد.

دوران دفاع مقدس

او تنها ۱۶ سال داشت که در جبهه‌های حق علیه باطل به همراه لشکر پنج نصر حضور یافت. وی در عملیات‌های کربلای یک، پنج، ده و همچنین عملیات مرصاد شرکت کرد که از ناحیه چشم و پای چپ بد افتخار جانبازی رسید. وی نتیجه حضور دوازده ماهه خویش در جنگ را این‌گونه بیان می‌کرد: "هیچ چیز سبب ارتقای انسان نمی‌شود مگر اعتقاد! چگونه ممکن است که در سرمای زمستان در استان کردستان که علی‌رغم وجود همه تجهیزات هیچ فردی حاضر به جنگیدن با دشمن نیست، افرادی جان برکف در آن مکان حضور داشته باشند که نه مزدی می‌خواهند و نه امکاناتی. اعتقاد و غیرت آن‌ها باعث حضور بی‌ادعا و خالص آنان است."

ارتباط با بیمار

یکی از همکاران ایشان (آقای مؤمنی) با بیان این‌که یکی از بیشترین دغدغه‌های ذهنی وی کمک به محرومان بود، ابراز کرد: وی در زمینه مراجعه محرومان به بیمارستان و مشکلات مالی آنان بی‌تفاوت نبود و با آخرین ارتباط پایدار و محکمی برقرار کرده بود. به گونه‌ای که از آن‌ها برای درمان بیماران و پرداخت هزینه‌ها کمک می‌گرفت. وی، در ادامه افزود: ارتباط مرحوم دکتر نادری با واحد ترخیص به شکلی بود که اگر بیمار نیازمندی مراجعه می‌کرد، بدون درنگ توسط خیرین هزینه درمان بیمار پرداخت می‌شد.

مروری بر فوت زنده یاد دکتر محمد نادری

دکتر محمد نادری پس از تحمل سال‌ها رنج حاصل از جنگ، سرانجام در ۶ آبان ماه ۱۳۹۵ دار فانی را وداع گفت. به دلیل اثرات گازهای شیمیایی و پیشرفت آن تحت عمل پیوند کبد قرار گرفت. لکن پس از گذشت ۶ روز به دلایل نامشخص دچار خونریزی داخلی شد. پس از سپری کردن یک روز در وضعیت کما، جان به جان آفرین تسلیم و خانواده، دوستان و آشنایان خویش را غرق در ماتم کرد.

زندگی ایشان را در حال بیهوده وقت گذراندن ندیدم. در فضای خانه، همه ما رابطه بسیار صمیمانه‌ای با پدر داشتیم. ایشان شرایطی را در خانه ایجاد کرده بودند که به راحتی و با احترام از یکدیگر و ایشان انتقاد می‌کردیم و این امر به بهبود و تحکیم روابط ما کمک می‌کرد. همه ما و از جمله پدرم مشغله‌های زیادی داشتیم، اما با این وجود ساعاتی در روز که با خوردن چای عصرانه همراه می‌شد را دور هم جمع می‌شدیم و با هم صحبت می‌کردیم. همانند تمام فرزندان و والدین، ما نیز با هم اختلاف نظر داشتیم، ولی چیزی که همیشه برایمان جذاب بود، این بود که برخلاف بسیاری از خانواده‌ها می‌توانستیم با پدرمان در مورد عقایدمان بی‌برده صحبت کنیم و از ابراز افکارمان ترسی نداشته باشیم. یکی دیگر از ویژگی‌های بارز اخلاقی پدرم این بود که به راحتی از اشتباهات دیگران در مورد خودشان می‌گذشتند و آن را فراموش می‌کردند.

فداکاری نمونه برجسته دیگری از روحیات پدر بود. وی با وجود این که در دانشگاه علوم پزشکی مشهد پذیرفته شده بود، به دلیل مشکلات مالی خانواده‌اش پس از یک سال تحصیل در رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد اقدام به انتقالی و جابه‌جایی مکان سکونت خویش کرد و در دانشگاه علوم پزشکی زاهدان به ادامه تحصیل پرداخت. پس از اتمام تحصیلات و مشغول شدن به کار، پدرم برای کمک به خانواده پدری خود، مرخصی می‌گرفت و امور مربوط به کشاورزی را انجام می‌داد تا هزینه زندگی آن‌ها را تأمین کند. بی‌نیازی به امور مالی و تعهد به کار از دیگر ویژگی‌های روحی او بود. دو روز پیش از جراحی پیوند کبد برای انجام امور اداری به تهران سفر کرد و علی‌رغم اینکه به ایشان گفته شده بود که نیازی به حضور نیست لکن گفته بودند که من باید خودم برای انجام کارهای وزارتخانه و بیگیری امور حضور داشته باشم. ایشان از ۲۰ سال قبل مشکل کبدی داشت و با وجود درد فراوان اما هیچ‌گاه این موضوع را بروز نداد، همه کارهای خود را انجام می‌داد و هیچ وقت در این زمینه شکوه و گلایه‌ای نداشت.

پدرم همواره به ما توصیه می‌کردند که از شرایط و موقعیت نترسیم

لطفاً به این مقاله از ۱ تا ۲۰ امتیاز دهید و به شماره پیامک مجله (۳۰۰۰۷۸۳۸) ارسال فرمایید.

کد مقاله: ۷۵۱۶ نحوه امتیازدهی: امتیاز - شماره مقاله